



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۲/۲۳



جاوید نوید

## افغان به معنی پشتون نیست

شواهد آتی مدارک و اسنادی ست تاریخی، در رابطه با ریشه های اصلی اصطلاح "افغان" که در مقدمه کتاب تاریخ هنر در افغانستان، اثر حامد نوید آمده است، این شواهد گواه بر این است که کلمه "افغان" به معنی پشتون نیست.

هرگاه از نگاه علم Etymology یا ریشه شناسی، ریشه های تاریخی کلمه "افغان" را بررسی نمایم در می یابیم که:

کلمه «افغان» به معنی پشتون نیست، بلکه این کلمه ریشه یافته از اسم Asvakan در سانسیکریت Ashvakas در زبان هندوآریایی پراکریت، اسپکان در پهلوی اشاکانی، اشکانوی (Assakenoi= horseman) در متون قدیمی گریکو رومن، "ابکان" و "اپگان" در پهلوی ساسانی که حرف (س) آن به مرور زمان افتاده، آمده است. از آنجایی که حروف (پ) و (گ) در الفبای زبان عربی وجود ندارد معرب کلمه «اپگان» در ادوار اسلامی «افغان» نگاشته و تلفظ شد. کلمه «افغان» به حواله مؤرخین و زبان شناسان معروفی چون جان مک کوندل J.W. McCrindle، ایریکلیوس É. Reclus فرانسوی، کریستن لسن نارویجی Christian Lassen الکزاندروگنهام Alexander Cunningham برتانیوی؛ لقبی بود که از دیر زمانه ها به سوارکاران و سلحشوران باختری و کامبوچه ها یا ساکنین قدیم اطراف کابل که آئین اوستایی داشتند تعلق میگرفت.

سلسله شاهان اسپه یا اسپه گان (اسپگان) باختر در جلگه های شمال هندوکش جایگه و پرورشگاه اسپان اصیل و تازنده بود.

نخستین مقر فرمانروایی شان را اساس گذارده و دامنه اقتدار شان را در نیمه هزاره دوم پیش از میلاد تا کابل و سرزمین های دیگر جنوب هندوکش توسعه دادند. در فرهنگ اوستایی کی شاهان سوارکار، داشتن اسپان ممتاز علامه سلحشوری و دلیری بود و شاهان قدیم بلخ کلمه اسپ را پساوند نام خویش می ساختند مانند گشتاسپ، زراسپ، لهرسپ، ارجاسپ و امثال آن که بیوراسپ لقب ضحاک بود و پورشاسپ لقب پدر زردشت. به اساس تحقیق در متون اوستایی کلمه آبگان یا آوگان به معنی کوبنده مترادف به جنگجو آمده است که این کلمه در کتیبه های شاهپور اول و دوم ساسانی در نقش رستم به صورت اپگان و ابگان ذکر شده است. چنانچه فردوسی در شهنامه چنین گفته:

سپهدار چون قارن کاوگان

سپهکش چو شیروی و چون آوگان

"آریان" تاریخ نگار به حوله یادداشت های همراهم اسکندر از جنگ های وی با اشکانوی ها یعنی سوارکاران افغان در اطراف کابل گزارش می دهد. به همین ترتیب ابن بطوطه واقعه نگار و سیاح معروف مراکشی عربی زبان، در

یادداشت های سفری که در سال ۱۳۲۸ میلادی به کشورهای شرقی اسلامی نموده می نگارد: در کابل به مردمانی برخورد کرده است که به زبان فارسی تکلم نموده و خود را افغان می نامیدند.

مقوله های دیگری نیز در مورد وجه تسمیه کلمه افغان وجود دارد که مانند نظریات نعمت الله هروی نویسنده مخزن الافغان دربار مغلی هند به خاطر جنبه افسانوی بودن آن ثبوت نیافته است. از این رو اکثر محققین و زبان شناسان به این امر متفق الاقول اند که اصطلاح "افغان" لقب و مرتبتی بوده که به سوارکاران اطلاق می یافت، نه به قوم و یا قبیله خاصی. گرچه عده ای با گرایش های سیاسی ای که دارند، کلمات "افغان" و "پشتون" را مترادف هم می دانند و از این رو در مقابل آن ابراز مخالفت می نمایند، اما در میان ۲۵ یا ۲۶ قبیله پشتون چون افریدی، مهمند، احمدزی، یوسف زی پوپل زی امرخیل و قبایل دیگر، قومی به نام افغان زی و یا افغان خیل وجود ندارد!!!

البته هر کسی حق دارد که هویتی را برای خود اختیار کند و یا با نظری موافق نباشد، اما از نگاه پذیرش معیارهای علمی و بالاتر از آن، با توجه به ارزش های والای تعالیم اسلامی اهانت به هیچ قومی مجاز نیست، بخصوص به ملتی که به قول هموطن فرهیخته محترم "بخت بیک میرزاده" به التیام زخم های زاده از جنگ نیازمندی میرمی داشته باشد.

۱. "Afghans are Assakani of the Greeks; this word being the Sanskrit Ashvaka meaning 'horsemen' " (Ref: Sva, ۱۹۱۰, p ۱۱۳, Christopher Molesworth Birdwood).

۲. Their name (Afghan) means "cavalier" being derived from the Sanskrit, Asva, or Asvaka, a horse, and shows that their country must have been noted in ancient times, as it is at the present day, for its superior breed of horses. Asvaka was an important tribe settled north to Kabul river, which offered a gallant resistance but ineffectual resistance to the arms of Alexander " (Ref: Scottish Geographical Magazine, ۱۹۹۹, p ۲۷۰, Royal Scottish Geographical Society)

۳. An Inquiry Into the Ethnography of Afghanistan, ۱۸۹۳, p ۷۰, Henry Walter Bellew

۴. Gankovsky, Yu. V., et al. "A History of Afghanistan." Moscow: Progress Publishers, ۱۹۸۲. ۸vo. Cloth. ۳۰۹ p. ۱۰۰, Royal Numismatic Society (Great Britain); Awq, ۱۹۸۳, p ۰

۵. Alexander, p ۸۷, Alexander Cunningham; India as Seen in the Brhatsamhita of Varahamihira, ۱۹۶۹, p ۷۰, Dr Ajay Mitra Shastri.

۶. ^ Journal of American Oriental society, ۱۸۸۹, p ۲۰۷, American Oriental Society; Mahabharata ۱۰, ۱۸, ۱۳.

۷. Kambojo assa.nam ayata.nam i.e Kamboja the birthplace of horse Samangalavilasini, Vol I, p ۱۲۴.

۸. ^ In the Anushasnaparava section of Mahabharata, the Kambojas are specifically designated as Ashava. yuddha. kushalah (expert Cavalrymen).

۹. Dr Michael Witzel: "The Kambojas, located somewhere in east Afghanistan, spoke Iranian language and followed Zoroastrian habits"

۱۰. Persica-۹, ۱۹۸۰, fn ۸۱, p ۱۱۴; Electronic Journal of Vedic Studies, Vol. ۷ (۲۰۰۱), issue ۳ (May ۲۰), Art. ۹).

۱۱. J. W. McCrindle says that the modern Afghanistan -- the Kaofu (Kambu) of Hiun Tsang was ancient Kamboja, and the name Afghan evidently derives from the Ashavakan, the Assakenoi of Arrian

۱۲. Asvaka = Afghan: The Numismatic Chronicle, ۱۸۹۳, p

۱۳. (Alexandra's Invasion of India, p ۳۸;

Rohani